

آثار و پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی

محمدعلی همتی^۱، علی شیروانی شیرینی^{۲*}

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مفهوم‌شناسی حسد در قرآن و بررسی خاستگاه و پیامدهای آن در بعد فردی و اجتماعی و ارائه راهکارهای تربیتی است. پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - استنتاجی انجام شده و جامعه پژوهش آن شامل تمامی آیات قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش و سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله است. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است و یافته‌ها حکایت از آن دارد که حسد ناشی از ضعف ایمان و سستی در اعتقادات است و حب دنیا از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز حسد به حساب می‌آید. در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی، تبعیض میان افراد و گاه کمال‌طلبی انسان، او را به ورطه خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که باعث می‌شود در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری‌جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخورداریهای دیگران حسادت بورزد. از جمله آثار و پیامدهای فردی حسد، سلب آرامش روحی و روانی، تضعیف ایمان و اعتقادات توحیدی از انسان و رضایت نداشتن از وضعیت موجود خود، قانع نبودن به داشته‌ها و شکرگزاری نکردن از خداوند است. در تعاملات اجتماعی نیز حسادت ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر از جمله خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی را در وجود انسان باعث شود. همچنین از دست رفتن حرمت و کرامت انسان از دیگر پیامدهای حسد در تعاملات اجتماعی است. جلوگیری از برانگیختن خشم افراد، پرهیز از بخل‌ورزی، پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی، نداشتن تفاخر و ابراز نکردن توانمندی‌ها، کنترل حب دنیا، توجه به استعدادها و علایق خاص افراد، زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت، توزیع متناسب محبت، زمینه‌سازی روحیه شکرگزاری، آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی، الگوپردازی و تقویت ایمان متریبان از راهکارهای تربیتی پژوهش حاضر به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: حسد، تعاملات فردی و اجتماعی، آموزه‌های قرآن، تربیت

mohammadalihemati@gmail.com

Ali_shiravani@cfu.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران.

۲- نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

بیان مسئله

تحقیق درباره مفاهیم اخلاقی از آن جهت که باید در زندگی به آن عمل شود تا انسان را به سرمنزل مطلوب انسانی خود برساند، بسیار ضروری است. مطالعه رذایل اخلاقی و آفت‌ها و پیامدهای مخرب آن می‌تواند در قدرشناسی و ترغیب انسان به فضایل اخلاقی بسیار مؤثر باشد. این مطالعه به کندوکاوی درباره «حسد» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رذایل اخلاقی پرداخته که خاستگاه بسیاری از رذایل دیگر است. حسد یک خصلت منفی و درواقع یک بیماری قلبی است که «الم‌الذائل» خوانده شده و درصورت بی‌توجهی و غفلت از آن نه تنها فرد حسود را از تعالی معنوی و آسایش روانی باز می‌دارد، بلکه ممکن است مخاطرات جبران‌ناپذیری برای محسود نیز بر جای بگذارد.

قرآن کریم این رذیلت اخلاقی مخرب را به‌شدت مورد مذمت قرار داده است؛ تاجایی که مشتقات آن پنج مرتبه، در چهار آیه به‌صورت فعل، اسم فاعل و مصدر به‌کار رفته است (فلق، ۵؛ نساء، ۵۴؛ بقره، ۱۰۹؛ و فتح، ۱۵). در برخی قصص قرآنی نیز غیرمستقیم به حسد و تبعاتش اشاره شده است (مائده، ۲۷). در بسیاری از روایات ائمه (ع) نیز به این موضوع پرداخته شده است. برای نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: *أَفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ*؛ «آفت دین، حسد، عجب و فخر است». همچنین می‌فرماید: *إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ*؛ «همچنان که آتش هیزم را می‌خورد، حسد نیز ایمان را می‌خورد» (کلینی، ۱۳۵۱، صص ۱۷۹-۱۷۸). علمای اخلاق نیز به تأسی از قرآن و احادیث معصومین (ع)، به‌طور مفصل درباره پیامدهای این «بیماری قلبی» (فلسفی، ۱۳۵۴)، اظهارنظر کرده‌اند. غزالی این رذیلت و بیماری اخلاقی را از جمله مهلکات خوانده: «بدان که از خشم، حقد خیزد و از حقد، حسد خیزد و حسد از جمله مهلکات است... حسد بیماری عظیم است دل را» (غزالی، ۱۳۸۴، صص ۵۵۵-۵۵۳). نراقی (۱۳۹۱) نیز حسد را به‌عنوان یک بیماری فکری معرفی کرده که همچون سایر رذایل و بیماری‌های فکری، از ملکات ذمیمه و فساد اخلاق است.

از آنجایی که نسبت دادن برخی ویژگی‌ها به افراد و نوع قضاوت در مورد رفتار آنان، روان‌شناسی را با حوزه اخلاق پیوند می‌دهد، حسادت به‌عنوان یک هیجان خاص، مورد توجه روان‌شناسان هم بوده است. هارلوک^۱ بر این باور است که حسادت واکنشی هیجانی است که از حدود ۲ سالگی آغاز می‌شود و با رشد کودک ممکن است تا بزرگسالی ادامه یابد و بر طبق الگوهای مختلف فرهنگی به‌صورت‌های متفاوتی جلوه‌گر شود. مازلو^۲ معتقد است که حسادت همیشه به طرد بیشتر و نبود امنیت عمیق‌تر منجر می‌شود (بیرجندی، قطبی و شعیری، ۱۳۹۷). حتی سخنوران، ادیبان و شاعران نیز در نکوهش حسد سخن‌ها گفته یا شعر سروده‌اند. مولانا در مذمت این خُلق مخاطره‌آمیز چنین سروده است: «خانمان‌ها از حسد گردد خراب / باز شاهی از حسد گردد عُراب» (مولوی، ۱۳۸۹).

بنابراین حسادت هم در قرآن کریم، مذموم بوده و شر معرفی شده «*وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ*» (فلق، ۵) و هم در روایات به‌عنوان خصلتی نکوهیده مورد مذمت قرار گرفته است. این ویژگی و خصلت در اندیشه علمای

1- Hurlock. E B

2- Mazlo, A

اخلاق، یکی از بیماری‌های قلبی، روحی و اخلاقی است و در دیدگاه روان‌شناسان از جمله بیماری‌های روانی است که موجب سلب آرامش روان انسان می‌شود. برخی علت این بیماری را نبود شناخت خویشتن (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱) و برخی بروز و ظهور چنین خصلت نامیمونی را نتیجه مقایسه خود با دیگران و دست‌نیافتن به داشته‌ها و منافع دیگران (اسمیت و کیم^۱، ۲۰۰۷) می‌پندارند. اما آنچه در رابطه با این موضوع اهمیت دارد این است که همه انسان‌ها در معرض تجربه چنین احساسی در روابط خود با دیگران هستند و حسادت ممکن است بسیاری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را برای انسان در پی داشته باشد. حسادت همچنین می‌تواند زمینه ارتکاب جرم‌های مختلف در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و... و حتی معاصی کبیره را فراهم کند و انسان را در سرازیری سقوط از شأن و منزلت انسانی خود قرار دهد. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه مؤید فعالیت مخاطره‌آمیز انتخابی یک شخصیت حسود با استفاده از روش‌های غیرقانونی برای دستیابی به رونق اقتصادی بالاتر است (شامیونو^۲، ۲۰۱۴). بنابراین تأمل، مطالعه و تحقیق روشمند درباره موضوع حسادت که پیامدهای مخرب بسیاری در ابعاد مختلف برای انسان در پی دارد، بسیار ضروری است. چنانچه رهاورد پژوهش در این باره، دستیابی پژوهشگر به راهکارهای عملی برای تعلیم و تربیت و تعدیل و تنظیم ابعاد مختلف رفتار انسان و درکل اصلاح نگرش و سبک زندگی باشد، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

در بررسی پیشینه پژوهش، در کنار کتب اخلاقی همچون «کیمیای سعادت»، «معراج السعاده» و «اخلاق ناصری» - که بخشی را به موضوع حسد یا حسادت اختصاص داده‌اند - آثار متأخری از جمله کتاب «نکته‌های قرآنی درباره حسود و حسادت» نوشته عباس‌علی کامرانیان (۱۳۹۵) و کتاب «حسد بر زندگی عین‌القضاء» نوشته مسعود کیمیایی (۱۳۹۳) نیز وجود دارد. پژوهش علمی چندی نیز در این باره انجام گرفته است؛ از جمله مقاله‌ای که به شناسایی مفهوم و ابعاد حسادت در قرآن و حدیث و مقایسه آن با روان‌شناسی حسادت پرداخته و حسد را با زمینه‌های سرشتی و یادگیری مرتبط دانسته است (بیرجندی، قطبی و شعیری، ۱۳۹۷). مقاله دیگری از منظر مدیریت اسلامی و مطالعات نوین مدیریتی به بررسی حسد و پیامدهای آن پرداخته و اساسی‌ترین راهکار رهایی از حسادت را اصلاح نگاه توحیدی دانسته است (بهپور و ساجدی، ۱۳۹۶). در پژوهشی دیگر، راهکار درمان حسادت در تقویت ایمان، شناخت صحیح توانمندی‌های خود و اصلاح نگرش‌ها با استفاده از راهکارهای مناسب فکری و عملی خلاصه شده است (ذوالفقاری، نجاریان و نجاریان، ۱۳۹۳، صص ۱۱۴-۹۹). اما وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار فوق در پی‌جویی پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی و استخراج دلالت‌های تربیتی آن است.

مسئله پژوهش و دغدغه ذهنی نویسندگان این است که با وجود آموزه‌ها و تعالیم وحیانی در قرآن و حتی سایر کتب مقدس در نکوهش حسادت، به‌نظر می‌رسد آثار آموزه‌ها آنگونه که باید در رفتار و عملکرد بسیاری از افراد جامعه نمود نیافته و همچنان دغدغه برخی از پژوهشگران (بیرجندی و همکاران، ۱۳۹۷؛ بهپور و ساجدی، ۱۳۹۶؛ کامرانیان، ۱۳۹۵؛ کیمیایی، ۱۳۹۳؛ و ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۳) بوده است. بنابراین

1- Smith and Kim
2- Shamionov

- نویسندگان با این دغدغه ذهنی در پی آن هستند که با مفهوم‌شناسی حسد در قرآن و بررسی خاستگاه و همچنین پیامدهای آن در بعد فردی و اجتماعی به فهم عمیق‌تری دست یابند و برای میدانگاه تربیت، راهکارهایی تربیتی ارائه دهند. بنابراین پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به این سؤالات پاسخ دهد:
- ۱- حسد در قرآن به چه معناست؟
 - ۲- خاستگاه حسد و همچنین پیامدهای آن در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی کدامند؟
 - ۳- راه‌کارهای تربیتی مرتبط با حسد کدامند؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های آن از نوع کیفی است که با به‌کارگیری روش تحلیلی - استنتاجی انجام شده است. این پژوهش تحلیلی است؛ زیرا مفهوم حسد را از منظر آیات و آموزه‌های قرآنی مورد تحلیل قرار می‌دهد. همچنین استنتاجی است؛ زیرا بر مبنای داده‌های اولیه حاصل از تحلیل مفهومی، دلالت‌ها و راهکارهای تربیتی متناسب با موضوع حسد، استخراج می‌شود. در واقع «تحلیل مفهومی» تحلیلی است که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومیز و دنیلز، ۱۳۹۴، صص ۴۷-۴۳). روش تحلیل مفهومی، کاربرد کلمات را به منزله روش اساسی تحلیل مورد استفاده قرار می‌دهد. البته کاربرد کلمات و گزاره‌ها می‌تواند به صورت نظام‌مند و برای بررسی شبکه مفهومی به‌کار گرفته شود. در تحلیل مفاهیم باید با دقت تمام، ارتباط بین کلمات و کاربردشان در عبارات مختلف بررسی شود. برای این منظور می‌توان از بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات و عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد و تحلیل بر حسب شبکه معنایی به‌عنوان شیوه‌های مختلف تحلیل بهره برد (باقری، توسلی و سجادی، ۱۳۸۹، صص ۱۸۱-۱۶۲). از آنجاکه تحقیق از نوع کیفی است و محقق در پی فهم عمیقی از مفهوم مورد نظر و ابعاد و جنبه‌های آن است، تمامی آیات قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش و سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله به‌عنوان جامعه تحقیق محسوب می‌شود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است؛ یعنی براساس اهمیت و ارتباط با موضوع حسد، آیات قرآنی و آثار مکتوب مرتبط تا رسیدن محقق به نقطه اشباع انتخاب شده است.

در تصریح بیشتر فرایند عملیاتی تحلیل - استنتاج و احصاء دلالت‌های تربیتی از تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان بیان داشت که ابتدا مفهوم حسد براساس معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گرفت و سپس به توصیف و تحلیل مفهوم حسد و مشتقات آن براساس بافت و سیاق آیات قرآن کریم پرداخته شد. در ادامه براساس تحلیل‌های به عمل آمده، ارتباط آن با سایر مفاهیم اساسی مورد بررسی عمیق قرار گرفت تا ریشه‌ها، علل و پیامدهای آن و همچنین راهکارهای کنترل، کاهش و رفع آن آشکار شود. در ادامه با رویکردی تربیتی و براساس تحلیل‌های به عمل آمده، دلالت‌های تربیتی آن استنتاج شد.

یافته‌های پژوهش

مفهوم‌شناسی حسد

حسد یعنی «آرزو داشتن برای زوال و نیستی نعمت کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و چه بسا که با این آرزو و حسادت، عملاً هم در نابودی نعمت او کوشش بنماید» (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۴). دیگران نیز معنایی مانند راغب آورده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۴۸؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۵؛ و جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۶۵).

در اصطلاح علم اخلاق نیز حسد به معنای «تمنای زوال نعمتی از کسی (غزالی، ۱۳۸۴، ص ۵۵۵) و از نعمتهایی است که صلاح او باشد» (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۹).

حسد در قرآن

در این بخش به ترتیب آیات قرآنی دارای مشتقات حسد و آیات فاقد مشتقات حسد مورد بررسی قرار می‌گیرند. مشتقات حسد پنج مرتبه در چهار آیه به صورت فعل، اسم فاعل و مصدر به کار رفته و در تمام موارد، معنای معروف خود را داراست؛ یعنی صفت مذموم و ناپسندی که خواهان نابودی نعمت دیگری است. مهم‌ترین آن‌ها آیه «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق، ۵) است. در این آیه حسد به معنای «شر» معرفی شده است؛ شری که پیامبر مأمور شده تا از آن به خداوند پناه ببرد. اهل تأویل در تفسیر و مصداق حسد اختلاف نظر دارند و سه تفسیر برایش ذکر کرده‌اند: ۱- حسد چشم‌زخم، ۲- حسادت یهود به پیامبر و ۳- مطلق حسادت که شامل همه انواع حسادت می‌شود (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۲۸). در این تفسیر چشم‌زخم یکی از مصادیق حسد است و به نوعی از حسد درونی ناشی می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۸، ص ۳۸۴). مراد از حسد در این آیه احتمالاً حسادت یهود است. اما به نظر می‌رسد آیه مختص آن‌ها نباشد و به تمامی مؤمنین توصیه می‌شود تا از شر هر حسدی به خدا پناه ببرند. ضمن اینکه براساس معنای لغوی حسد، شخص حاسد زوال نعمت محسود را آرزو دارد، ولو با آسیب رساندن به آن (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۵۷۶).

در تفسیر نور، ذیل این آیه آمده است: تلاش برای به‌دست آوردن کمالاتی که دیگران دارند، غبطه و ارزش است؛ ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت نشانه کم‌ظرفیتی و تنگ‌نظری است. نخستین قتلی که در زمین واقع شد، به خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و نخستین گناهی که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آدم بود. حسادت در میان تمام شرور، برجسته‌ترین شر است؛ زیرا حسود نقشه‌ها می‌کشد و حيله‌ها می‌کند و مرتکب انواع شرور می‌شود تا به هدف خود برسد. حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می‌گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است. حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی‌کند و به خاطر خوی حسادت، از رسیدن خیر خودش به دیگران جلوگیری می‌کند. حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گواهی نمی‌دهد و قهراً مرتکب گناه کتمان حق می‌شود (قرآنتی، ۱۳۸۷، ص ۶۴۷).

در برخی از آیات قرآن به حاسدان و نوع حسادت‌شان تصریح شده است. در دو آیه یهودیان را حاسد،

پیامبر و مؤمنین را محسود و ایمان، قدرت و موقعیت آنها را محسود علیه معرفی کرده است: بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد - از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمان‌تان، کافر گردانند^۱ (بقره، ۱۰۹). مفسران شأن نزول این آیه را درباره «کعب بن الأشرف» و «حیی بن أخطب» بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۳؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۵۸)؛ زیرا آن دو از حسودترین یهودیان نسبت به اعراب بودند و هنگامی که خداوند، رسول الله (ص) را برای آنها برگزید، هر تلاشی که در توان‌شان بود برای برگرداندن مؤمنان از دین اسلام انجام دادند (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۸۹). کار یهودیان از روی شهوتی برخاسته از حسد بود، نه از روی تمایل به حق (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۷). اعطاء موهبت و فضیلت رسالت رسول‌الله (ص) در میان اعراب، انگیزه حسادت یهود نسبت به مسلمان را برانگیخت. در واقع از این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که ریشه تمامی منازعات اهل کتاب با رسول اسلام (ص) و ستیزشان با قرآن، حسد است.

در آیه ۵۴ سوره مبارکه نساء، «بلکه آنان به مردم [که در حقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به‌خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می‌ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان فرمان‌روایی بزرگی بخشیدیم»^۲. حاسدان طبق نظر مفسران، یهودیان هستند. سیاق این آیه و آیات قبل اشاره به این دارد که یهودیان در قضاوت خود، دین مشرکان را بر مؤمنان ترجیح دادند و نسبت به موهبتی که خداوند به آنها داده بود، رشک ورزیدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۹۹؛ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۲۰). در اینکه مراد از «ناس» در آیه چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مؤمنان را مراد دانسته (همان)، برخی امام علی و ائمه (ع) را و سبب حسادت را خلافت آنان نامیده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۹۰). عده‌ای هم حضرت رسول (ص) و نبوتش را موجب حسادت یهودیان دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۲۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۹۴؛ ابن‌عاشور، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۱۵۸؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۷۷). این فضیلت مورد نظر، عزت، نصرت و کرامت به‌همراه دارد که باعث فخر دین و دنیاست و از طرفی کثرت این نعمت‌ها بر نبی اکرم (ص) می‌تواند سبب حسادت باشد (طبری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۹؛ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۰).

تفسیر نور در ذیل این آیه شریفه آورده است: «حسد از بخل بدتر است. چون در بخل مال خود را نمی‌بخشد، ولی در حسد از بخشش دیگری هم ناراحت است. یهود که پیشتر مورد لطف و نعمت خدا قرار گرفته‌اند، چرا از اینکه دیگران به نعمت و قدرتی برسند، از روی حسد، ناراحت می‌شوند؟ چرا آل‌ابراهیم (ع) برخوردار باشند و آل‌محمد (ص) و بنی‌هاشم، محروم؟» (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۵). پیام‌های مستخرج از این آیه بیانگر این هستند که ۱- حسود درمقابل اراده خدا قد علم می‌کند. «بلکه آنان به مردم [که در حقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به‌خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می‌ورزند»^۳ (نساء، ۵۴). ۲- منشأ

۱- «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره، ۱۰۹)

۲- «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مَلَكًا عَظِيمًا» (النساء، ۵۴)

۳- «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمْ...» (نساء، ۵۴)

همه نعمت‌ها و بهره‌گیری‌ها فضل خداست؛ «مِنْ فَضْلِهِ». به جای آرزوی زوال نعمت دیگران، از خداوند آرزوی فضل او را داشته باشید. ۳- همسویی اهل کتاب با مشرکان و قضاوت بر اینکه شرک شما بهتر از توحید مسلمانان است، به‌خاطر حسادت است. ۴- همه الطاف از اوست و ۵- حکومت الهی باید به‌دست کسانی باشد که قبل از حکومت، دارای مقام معنوی و علمی و بینش بالایی باشند. نام کتاب و حکمت قبل از ملک عظیم آمده است (قرآنتی، ۱۳۸۷).

درواقع حسادت هنگامی به‌وجود می‌آید که برتری وجود داشته باشد و حسادت به کامل‌ترین انسان به‌مراتب عظیم‌تر است و معلوم است که نبوت در امور دینی، امر بزرگی است که خداوند به محمد (ص) اعطاء کرده و قوی‌ترین دولت، عظیم‌ترین شوکت و بیشترین انصار برای اوست و این است که موجبات حسد عظیم را فراهم می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰۵).

آیه ۱۵ سوره فتح نیز اشاره به حسادت در تعاملات اجتماعی دارد. جریان آیه از این قرار است که عده‌ای از مسلمانان ضعیف‌الایمان، پیامبر (ص) را در جریان حدیبیه همراهی نکردند. در برگشت خداوند به پیامبر و همراهان‌شان وعده فتح خیبر و کسب غنایم فراوان را داد و اعلام کرد که غنایم مختص حاضران در حدیبیه است. متخلفان از جنگ وقتی این پیام را شنیدند به پیامبر ملحق شدند تا در فتح خیبر شرکت کنند و در غنایم شریک شوند؛ غافل از اینکه خداوند از پیش آن‌ها را محروم کرده بود. این گروه در واکنش به عمل پیامبر (ص) و اصحابش آنان را متهم به حسادت کردند: «...بَلْ تَحْسَدُونَنا...» (فتح، ۱۵) (فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۲۷۴؛ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۱۸).

در برخی آیات قرآن گرچه مشتقات حسد نیامده، ولی مفهوم، قرائن و سیاق آیات دلالت بر این دارد که جریان‌ها و اتفاقاتی به وقوع پیوسته که معلول حسادت شخصی یا گروهی بوده است. در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود.

در سوره مائده آیات ۲۷ تا ۳۲، قصه فرزندان حضرت آدم بیان شده است. مفسران، عامل قتل برادری توسط برادرش را، حسد بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۲۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۳۳؛ طوسی، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۴۹۳؛ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۸۵). درحقیقت حسد کار آدمی را به جایی می‌کشاند که حتی برادر خود را به‌ناحق به قتل برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۸۵). عاملیت حسد در این داستان در روایات نیز آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۴۱). جریان فوق در کتاب «عهد عتیق» نیز آمده است؛ با این تفاوت که در آنجا علت قتل، خشم قائن (قابیل) بیان شده است: «[خداوند] قائن و هدیه او را قبول نکرد. قائن از این بابت خشمگین شد و سر خود را به زیر انداخت» (پیدا/یش، ۴: ۵). و نهایتاً خشم قابیل که خاستگاهش حسادت به پذیرش قربانی برادرش از طرف خدا بود، وی را به قتل برادرش سوق داد: «بعد قائن به برادرش هابیل گفت: «بیا با هم به مزرعه برویم». وقتی در مزرعه بودند، قائن به برادرش حمله کرد و او را کشت» (پیدا/یش، ۴: ۸). گرچه در این داستان به حسد تصریح نشده، اما به یکی از آثار آن یعنی خشم اشاره دارد که در این حالت معمولاً شخص کنترل خود را از دست می‌دهد و به اعمال خطرناکی دست می‌زند. درواقع خشم قابیل که منجر به قتل برادرش شد، نتیجه حسادتی بود که در وی شکل گرفته بود و او قادر به تحمل

آن نبود. قابیل غافل از اینکه آفرینش هدفمند و غایتمند است و خداوند ضمن اینکه استعدادها و توانمندی‌های مشترکی از جمله عقل، اختیار و تصمیم‌گیری را به همه انسان‌ها داده و مشترک میان آن‌هاست، یک سری خصوصیات و ویژگی‌های دیگری نیز برای هر یک از انسان‌ها فرستاده که موجب تمایز وی با دیگر انسان‌ها می‌شود و براساس حکمت الهی و نظام علت و معلولی است، نتوانست از آزمون و سنت الهی که بر زندگی وی و برادرش حاکم بود، با موفقیت گذر کند.

نمونه دیگر حسادت برادران یوسف است که خداوند قصه حضرت یوسف (ع) را «حسن‌التقصص» (یوسف، ۳) نامیده است. داستانی که بخش عظیمی از تاریخ بنی‌اسرائیل را به وجود آورد و زمینه مهاجرت فرزندان یعقوب را از کنعان به مصر فراهم کرد و تا زمان خروج نوادگان یعقوب از مصر به واسطه حضرت موسی (ع) و عبور از دریا ادامه یافت (مقدس، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۱).

از باهم‌نگری و مطابقت آموزه‌های قرآن کریم درباره موضوع حسد، می‌توان نتیجه گرفت که در این متن مقدس، حسد به‌عنوان یک رذیلت اخلاقی هم به‌صورت پیام آشکار و مستقیم و هم در قالب داستان و به‌صورت نهفته و غیرمستقیم به‌شدت مورد مذمت قرار گرفته است. در آیات قرآنی ذکر شده، به آثار و پیامدهای مخرب حسد در تعاملات فردی و اجتماعی اشاره شده است.

مبانی و علل زمینه‌ای شکل‌گیری حسد

از آنجایی که موضوع پژوهش، یعنی حسد، یکی از رذایل اخلاقی و از ویژگی‌های اکتسابی انسان است، در این بخش برای تبیین بهتر، ابتدا برخی از مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد. انسان موجودی مرکب از جسم و روح است که دارای فطرتی الهی است؛ یعنی سرشتش به خدا گرایش دارد و انسان برحسب فطرت، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است. البته انسان چون خودش را دوست دارد، شوق دارد که به بالاترین کمالات برسد. هرکاری که در آن مستول باشد، به بهترین نحو انجام می‌دهد و می‌خواهد به جاودانگی نامتناهی برسد. این کمال مراتبی دارد که از پایین‌ترین سطح یعنی کمالات طبیعی شروع شده و به بالاترین کمال یعنی رشد و تعالی می‌رسد. البته گاه این کمال‌طلبی انسان در محدوده کمالات طبیعی باقی می‌ماند و حب نفس و حب دنیا نیز در وی به سمت بعد مادی و طبیعی متمایل شده و او را به ورطه خویشتن‌دوستی افراطی و خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که در این حالت ممکن است در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخورداری‌های دیگران حسادت بورزد. حسادت یکی از خصلت‌هایی است که ذاتی انسان نبوده، اما انسان می‌تواند آن را کسب کند. انسان علاوه بر اینکه دارای کرامت ذاتی الهی است که خدا به او داده، دارای کرامت اکتسابی نیز هست که این کرامت در جهت تقرب به خداوند و تلاش در رسیدن به اوست و ملاک اصلی آن تقواست. البته انسان با انتخاب‌های خود و رعایت نکردن ملاک تقوی، ممکن است همین کرامت الهی را از دست بدهد و منزلتش پایین‌تر از چهارپایان باشد. یکی از خصلت‌ها و ویژگی‌هایی که ذاتی انسان نبوده و انسان می‌تواند آن را با اختیار و انتخاب خود کسب کند، حسادت است که درحقیقت با کسب این خصلت، علاوه بر رعایت نکردن معیار تقوای الهی،

به کرامت ذاتی و خدادادی خود نیز اهانت کرده است.

در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی زمینه حسادت برخی افراد می‌شود که در این وضعیت باید متوجه بود که تنوع و تمایز در استعدادها، توانمندی‌ها و برخورداری‌های افراد جامعه، دلیل بر حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر سطح از استعداد، توانمندی، امکانات و برخورداری از فرصت‌ها، شرایط و موقعیت‌ها، حقوق و تکالیف متناسب با آن را داشته باشد. بنابراین این تمایزات دلیل بر برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر نیست؛ چرا که ملاک برتری به تصریح قرآن کریم در تقواست.

از بعد ارزش‌شناختی، حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و درجهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان عطا می‌شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصلی زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد. حیات طیبه در شأن دینی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی، خداشناسی، ایمان به خداوند متعال و باور به معاد، نبوت و سایر معتقدات دینی، انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق به‌عنوان آیین زندگی، التزام عملی آگاهانه و اختیاری نظام معیار دینی در همه شئون زندگی، تقید اختیاری به احکام و ارزش‌های دینی و اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره و تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار دینی، حفظ کرامت و عزت نفس، خویش‌داری و مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، رعایت آداب و کسب صفات و فضایل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذایل غیراخلاقی و درمان آن است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

حسادت و سایر رذایل اخلاقی، امکان تحقق چنین زندگی مطلوبی را از انسان سلب می‌کند. بنابراین برای دستیابی به حیات طیبه که برطبق نظام معیار اسلامی وضع مطلوب زندگی بشر است، لازم است از تکوین صفات و رذایل غیراخلاقی همچون حسادت پیشگیری به‌عمل آید. از سوی دیگر مطابق با ارزش‌شناسی اسلامی، آزادی حقیقی انسان در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی است و حسادت که یک تمنا و آرزوی قلبی منفی است، همچون یک مانع درونی نشان از وابستگی انسان به تمایلات نفسانی دارد و درحقیقت نشان اسارت انسان در بند تمایلات نفسانی است.

از نظر علم اخلاق، «منشأ حسد به‌عنوان یک بیماری فکری، همچون سایر رذایل و بیماری‌های فکری، ملکات ذمیمه و فساد اخلاق است» (فلسفی، ۱۳۵۴، ص ۱۱۵). محبت دنیا به‌دلیل آنکه تنگی و محصور بودن منابع دنیا باعث دشمنی است، منشأ اصلی حسد معرفی شده است (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶).

گاهی تبعیض نابه‌جا میان افراد، حسادت آنان را بر می‌انگیزد؛ زیرا تبعیض بین فرزندان اثرات روان‌شناختی مخربی در سطح خانواده برجای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به تنفر به والدین، کاهش اعتماد به نفس و حسادت بین فرزندان اشاره کرد. فرزندان دچار تبعیض والدین، افزون بر داشتن مشکلاتی در تعاملات خانوادگی، در تعاملات اجتماعی نیز با اطرافیان خود مشکل خواهند داشت. چنین افرادی در جامعه معمولاً به دیگران حسادت ورزیده، در پی انتقام و کینه‌جویی از دیگران بوده و از طریق کشف نقطه ضعف‌های دیگران،

سعی در ارتقاء موقعیت خود دارند.

گاهی افراد توجیه نیستند و استعدادها، امکانات، برخورداری‌ها و شرایط افراد را یکسان می‌پندارند و همین که یک برتری و امتیازی در دیگران دیدند، حسادت می‌ورزند. درحالی‌که اگر حکمت و دلیل تفاوت‌ها را بدانند، آرام خواهند شد. چنانچه انسان به این حقیقت پی ببرد که خداوند ضمن اینکه استعدادها و توانمندی‌های مشترکی از جمله عقل، اختیار و تصمیم‌گیری را به همه انسان‌ها داده و مشترک میان آن‌هاست، یک سری خصوصیات و ویژگی‌های دیگری نیز برای هر یک از انسان‌ها قرار داده که با دیگر انسان‌ها متمایز است و این تمایزات براساس حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر موقعیتی، حقوق و تکالیف متناسب با آن‌ها را داشته باشد و اساساً برخورداری دیگران از نعمتی، تابع حکمتی است که ممکن است بر وی مکشوف نباشد، دلیلی برای حسدورزی نخواهد داشت.

همچنین باید دانست که دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت‌های مادی نیست؛ بلکه گاهی نسبت به ایمان افراد حسادت می‌شود و می‌خواهند آنان را به کفر برگردانند. «بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد، به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمان‌تان به کفر بازگردانند. هم‌اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست»^۱ (بقره، ۱۰۹). همانطور که در آیه مبارکه فوق تصریح شد، عده بسیاری از اهل کتاب، علیرغم اینکه حق بر آن‌ها آشکار شد، به سبب حسدی که در نفس خود بر ایمان مسلمانان دارند، لجوجانه تلاش می‌کنند که آنان را از ایمان به کفر برگردانند. درحقیقت آیه مبارکه فوق دربرگیرنده این پیام است که شعله حسادت چون یک بیماری، چنان خطرناک است که بعد از علم و آگاهی و آشکار شدن حق بر افراد نیز فرو نمی‌نشیند. البته باید در نظر داشت که دامنه شمول حسد، هم شامل کفر، هم افراد عادی جامعه و هم خاندان نبوت است. همان‌گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

بنابراین می‌توان منشأ حسادت را در گاه نیاندیشیدن در حکمت الهی، گاه بیماردلی و لجاجت با حق و حقیقت، فساد اخلاق، محبت به دنیا و محصور بودن در منابع آن و در روابط اجتماعی، تبعیض نابه‌جا میان افراد و به‌طور کلی نداشتن بینش صحیح نسبت به خود، عالم هستی و دنیا و عقبی دانست.

پیامدهای حسد

براساس آموزه‌های قرآنی، حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد. از جمله آثار و پیامدهای فردی حسد بر بعد فردی، سلب آرامش روحی و روانی انسان است. انسانی که دائم به داشته‌های دیگری حسادت می‌ورزد، خود را بیشتر در معرض نگرانی، تشویش خاطر و اوهام و خیالات

۱- «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَدُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۱۰۹).

باطل قرار می‌دهد. چنین فردی ذهن و فکر خود را به‌جای صرف در رشد و توسعه ابعاد وجودی شخصیت خویش، تأمین رضایت خاطر و آرامش و سلامت روان خویش، صرف این موضوع کرده که چرا کمتر از دیگران دارد و بیمار دلی و پریشانی فکر و خاطر خود را رقم می‌زند. افزون بر سلب آرامش روحی و روانی، پیامد دیگر حسادت، تضعیف بعد شناختی انسان و تضعیف ایمان و اعتقادات توحیدی است. حسادت، شناخت و بینش الهی و توحیدی را در انسان تضعیف می‌کند. در واقع در دامنه بینشی حسود اینکه عالم هستی، مخلوق خداوند است «...بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست...»^۱ (رعد، ۱۶) و اینکه این دنیا زودگذر و فانی است «ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی‌ارزش و زودگذر است و بی‌تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است»^۲ (غافر، ۳۹) و همچنین آنچه به انسان عطا شده، زمینه آزمایش اوست «و بدانید که اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شماست و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست»^۳ (انفال، ۲۸)، تضعیف شده است. حسود به‌جای آنکه عالم هستی را مخلوق خداوند بداند، آن را نتیجه تلاش و اراده بشر و در کنترل خود و دیگری می‌پندارد. حسود دنیا را نه دارالفرار، که دارالقرار تصور می‌کند؛ گویی بناست تا ابد در آن بماند. اما اگر انسان به این آگاهی و بینش دست یابد که توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل (بقره، ۹۰)، نعمت (یوسف، ۹-۸) و حکمت الهی (نساء، ۵۴) بداند، نسبت به آن‌ها حسادت نمی‌ورزد و در نتیجه این آگاهی مایه آرامش روح و جان و تقویت بنیه ایمان، اعتقاد توحیدی و فکری وی خواهد بود. از پیامدهای دیگر حسادت در بعد فردی، رضایت نداشتن از وضعیت موجود خود، قانع نبودن به داشته‌های خود و شکرگزاری نکردن از خالق یکتاست؛ زیرا حسادت‌ورزی، انسان را از تأمل در داشته‌ها، امکانات و فضایل خود باز می‌دارد و انسان را از نعمت داشتن رضایت خاطر و قناعت که تسکین‌بخش روان و خاطر است، محروم می‌کند. شکرگزاری زمانی صورت می‌گیرد که انسان به داشته‌های خود که جملگی دهش و عطیه الهی است، باور داشته باشد؛ در صورتی که انسان حسود به‌طور مداوم نداشته‌های خود را مد نظر دارد.

در تعاملات اجتماعی، گاه رفتارهای نسنجیده انسان در ارتباط با دیگری، ممکن است زمینه‌ساز فهم و تصور متفاوتی از نیت انسان در دیگران شود. به‌عنوان مثال توزیع نابرابر مهر و محبت والدین یا بزرگسالان به کودکان ممکن است زمینه‌ساز بروز حسادت در آنان شود. سبب حسادت به یوسف و برادرش از قول فرزندان یعقوب، حب پدر به آن دو بود: «یاد کن هنگامی را که برادران گفتند: با اینکه ما گروهی نبرومندیم، یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند و قطعاً پدرمان در اشتباه روشن و آشکاری است»^۴ (یوسف، ۸). در تعاملات اجتماعی، حسادت ممکن است همچون حلقه اولیه زنجیره‌ای از ردایل، پیدایش ردایل دیگر از جمله خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی را در وجود انسان باعث شود. برای مثال دشمنی و خصومت با دیگران که بر اثر حسادت ایجاد شده، موجب پیدایش کینه است. البته دیگر ردایل نامبرده نیز

۱- «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» (رعد، ۱۶)

۲- «انما هذه الحيوة الدنيا متع و ان الآخرة هي دار القرار» (غافر، ۳۹)

۳- «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال، ۲۸)

۴- «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَ أَخِيهِمَا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...» (یوسف، ۸)

گاهی موجبات تشدید حسادت در انسان می‌شود؛ مانند حسادت یهود به رسول اسلام (ص) که به دلیل دشمنی با ایشان بود (بقره، ۱۰۹). از دیگر پیامدهای حسد در تعاملات اجتماعی، از دست رفتن حرمت و کرامت انسان است؛ حرمت و کرامتی که خداوند در قرآن بر آن تأکید کرده است: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم» (اسراء، ۷۰). همانطور که بیان شد، براساس آموزه‌های قرآنی، حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد. اگرچه بروز چنین خصلتی در انسان به دلیل خودخواهی، دنیا دوستی و زیاده‌طلبی تا حد زیادی رایج و معمول است، اما با برخورداری از تربیت صحیح و مطابق با آموزه‌های قرآنی، می‌توان از پیامدهای مخرب چنین ردیلتی در امان ماند.

تشخیص و علاج حسد

اولین راه تشخیص حسد، حضور در محضر انسان بصیری است که عیب‌های نفسانی و آفت‌های پنهانی اخلاق را به خوبی می‌شناسد. معیار عیوب معنوی، ناسازگاری با اصول اخلاقی مکتبی است که فرد پیرو آن است. در مکتب اسلام اگر انسان بخواهد به انحراف‌های روحی و عیب‌های اخلاقی خود پی ببرد، باید اندیشه و افکار خود را با عالم دینی که پیرو آموزه‌های قرآن کریم است، در میان بگذارد (فلسفی، ۱۳۵۴، صص ۱۹۹-۱۹۳). پس از تشخیص، برای اصلاح اخلاق و ریشه آن افکار خود، باید با اراده جدی به درمان خود پردازد (همان، ۲۶۳). درمان برخی از بیماری‌های اخلاقی همچون حسد، ساده نیست و نیاز به تلاش بسیار دارد. انسان گاه لازم است به پاکسازی فکر خود پردازد و بنای غلطی که اندیشه، رفتار و زندگی خویش را بر آن بنیان نهاده ویران سازد و از نو اساس تازه‌ای را مطابق فضایل اخلاقی پایه‌گذاری کند (همان، ۲۶۸). در تفسیر نور آمده است: «حسادت، دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد. قُلْ اَعُوذُ ... / اِنَّا حَسَدُ»، زمینه‌ها زمانی خطرناک است که به فعلیت درآیند «حاسِدٍ / اِنَّا حَسَدُ». حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی براساس آن گناه است «/ اِنَّا حَسَدُ» (قرآنی، ۱۳۸۷، ص ۶۴۷).

علاج حسد که از قبیح‌ترین امراض و شنیع‌ترین شرور است، اهمیت خاصی دارد؛ زیرا در صورت علاج آن، علاج دیگر رذایل آسان می‌شود (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۲۰۴). علاج حسادت «معجون علم و عمل است. اما علمی آن است که بداند حسد زیان وی اندر دنیا و آخرت و سود محسود وی اندر دنیا و آخرت است» (غزالی، ۱۳۸۴، ۵۵۸). براین‌اساس می‌توان گفت که از جمله راه‌های علاج حسادت، علم و آگاهی نسبت به نتیجه حسادت‌ورزی است. نراقی حسد را مایه ضرر دنیوی حاسد دانسته است، نه محسود و چنین استدلال می‌کند که حسود همواره در حزن، الم، غم و غصه است. هر نعمتی که خدا به دیگران می‌دهد بار غمی بر دل حسود می‌گذارد؛ زیرا نعمت‌های خدا به واسطه حسادت از دیگران قطع نخواهد شد (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۹). انسان

۱- «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰).

با حسادت، به جای آنکه دشمن یا محسود خود را به رنج و عذاب اندازد، فقط خود را به رنج و عذاب گرفتار می‌کند. پس عاقلانه نیست که انسان همواره خود را رنج دهد، درحالی‌که هیچ ضرر و زبانی به محسود نمی‌رسد. بنابراین نخست با علم و آگاهی نسبت به این حقیقت که نتیجه حسادت فقط رساندن زیان به خود حسود است، سوق دادن ذهنیت و تفکر خود به این جهت که دنیا، کوتاه و کوچک است و ارزش غصه ندارد، اینکه ما نیز نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند و این نعمت‌ها براساس حکمت تقسیم شده است؛ گرچه ما حکمت آن را ندانیم، همچنین آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیتش هم بیشتر است، ضمن اینکه حسادت‌ورزی ما بی‌نتیجه است و خداوند به دلیل اینکه بنده‌ای چشم دیدن نعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی‌کند و فقط خودمان را رنج می‌دهیم و در مرحله بعد با عمل به راهکارهای تربیتی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود، می‌توان بیماری حسادت را علاج کرد.

اهداف تربیتی

هدف اساسی تعلیم و تربیت اسلامی، نیل به حیات طیبه است که در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، چنین توصیف شده است: «تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به‌گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند» (۱۳۹۰، ص ۱۵۳). این هدف انسان را به نوع خاصی از زندگی رهنمون می‌کند که آدمی در این نوع زندگی «مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می‌شناسد و به او می‌گردد. در عرصه جسم، به پاکی، سلامت و قوت نایل می‌شود. گرایش‌ها و هیجان‌های خود را به‌صورت موجه و مشروع تنظیم می‌کند. اراده معطوف به خیر می‌یابد و در عرصه فردی و جمعی، عمل صالح انجام می‌دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می‌گسترده و ذائقه توانا برای درک و گرایش به زیبایی می‌یابد» (باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰). در ساحت تربیت اخلاقی، پرورش فضایل و از میان بردن رذایل و پرورش فهم و تعقل اخلاقی دو هدف تربیت اخلاقی است (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۶۶) که دستیابی به آن‌ها، از طریق پاک‌سازی رذایل و پرورش فضایل اخلاقی امکان‌پذیر است.

برای نیل به این اهداف، در محیط و فضاهای تربیتی علاوه بر داشتن رویکرد ایجابی یعنی پرداختن به محتوای مناسب و نظریه‌پردازی، می‌توان با رویکردی سلبی به اصلاح متناسب شرایط، قوانین و حتی ساختارهای آموزشی پرداخت تا زمینه‌های بروز رفتارهای غیراخلاقی همچون حسد و نظایر آن کاهش یابد. بنابراین برای تحقق این هدف ضروری است که برنامه‌ها و فعالیت‌های مناسب تربیتی هم از نوع ایجابی و هم از نوع سلبی صورت‌بندی و اجرا شود.

البته در زمینه بیماری‌های فکری و اخلاقی ابتدا باید منشأ آن را یافت تا بتوان برای دفع یا درمان آن، چاره جست. سپس براساس اصل «تقدم تزکیه بر حکمت» که ابتدا باید فرد را تزکیه و تطهیر کرد و سپس به او حکمت آموخت تا تأثیرگذار باشد (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص ۳۰)، باید به ترتیب زمینه‌های سلبی و سپس ایجابی آن را به کمک جریان تربیت فراهم کرد.

زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی

کارکرد مهم تعلیم و تربیت، به فعلیت درآوردن امکانات و استعداد‌های افراد در جهت مطلوب است که این مهم به دو شیوه انجام می‌گیرد. نقش تعلیم و تربیت در شیوه نخست، زمینه‌سازی و فراهم‌آوری شرایط و عوامل به فعلیت درآوردن امکانات و استعداد‌های افراد در جهت مطلوب است. اما شیوه دیگر که نزد مربیان اخلاق، نسبت به شیوه نخست از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است، پیشگیری از شکل‌گیری افکار، نگرش‌ها و رفتارهایی است که با فطرت الهی انسان و اهداف مطلوب تربیت مغایرت دارد.

وجه سلبی تربیت در قالب مفهوم قرآنی «تزکیه» به معنای سلب هر آن چیزی است که ما را از فطرت خویش دور می‌سازد. این روش براساس شعار (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) به نفی و حذف موانع می‌پردازد و با شعار (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) زمینه بازگشت به فطرت الهی انسان را فراهم می‌سازد. هدف روش تربیت سلبی زدودن همان لایه‌هایی است که ناخواسته گوهر حقیقی و روح الهی انسان را پوشانده است و باید با سلاح تزکیه از بنیاد برکنده شود. در واقع کارکرد اصلی تعلیم و تربیت سلبی، زمینه‌سازی برای «شکوفای شدن» استعدادهاست؛ نه «شکوفای کردن» آن‌ها؛ زیرا در فرایند شکوفای شدن، اصل بر پیشگیری، حذف و نفی اقداماتی است که مانع عاملیت فرد در رشد و تحول خویش می‌شود (کریمی، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۱-۱۰۱).

در پژوهش حاضر تربیت سلبی به معنای روشی تربیتی است که به زمینه‌ها و عواملی که مانع پرورش فضایل اخلاقی هستند - و به عبارتی زمینه‌ساز ردایل و از جمله حسد هستند - اجازه مداخله ندهد. بنابراین از آنجایی که خشم و غضب، کینه و دشمنی، تفاخر، بخل و حب دنیا از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که حسادت را در انسان برمی‌انگیزند، در تربیت اخلاقی متربیان، باید به چنین رفتارها، الگوها و زمینه‌هایی که باعث بروز حسد هستند، اجازه مداخله نداد.

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر در حوزه تربیت اخلاقی است و در تربیت اخلاقی تزکیه مقدم بر تعلیم است «... وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (آل عمران، ۱۶۴)، ابتدا افکار، نگرش‌ها، صفات و رفتارها و درحقیقت ردایلی که مانع تربیت اخلاقی هستند و سپس افکار، نگرش‌ها و صفات و رفتارهایی که موجب فضایل اخلاقی هستند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- جلوگیری از برانگیختن خشم افراد تحت تربیت

از جمله زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی، جلوگیری از برانگیختن خشم افراد تحت تربیت است. در هر شرایطی باید سعی کرد تا از هرگونه زمینه‌سازی خشم در افراد ممانعت کرد؛ زیرا به باور ملاحمد نراقی، خشم انسان را از حوزه عقلانیت و رفتارهای مبتنی بر عقل دور می‌کند (نراقی، ۱۳۹۱، صص ۲۰۹). غزالی نیز می‌نویسد اصل خشم از آتش است که «زخم وی بر دل بود و نسب آن با شیطان است. ولیکن چون به افراط بود، زیانکار باشد و مثل آتشی بود که بر دل زند و دود بر دماغ رود و جایگاه عقل و اندیشه را تاریک کند» (غزالی، ۱۳۸۴، صص ۵۴۲-۵۴۰). خشم افزون بر اینکه خود مدموم است، پیامدهای دیگری نیز دارد که یکی از آن آثار و پیامدها، ایجاد حسد در طرفین است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بین مربیان و متربیان در نوجوانی، پرخاشگری ناشی از برانگیختن خشم آنان

است که باید هوشیارانه از اقداماتی که باعث این موضوع می‌شود، پرهیز کرد. یکی از این اقدامات پرهیز از مقایسه پیوسته آنان با سایر همسالان است. وقتی نوجوان نتواند فاصله خود را با کسانی که با آنها مورد مقایسه قرار گرفته، بردارد، احساس شکست خواهد کرد؛ شکستی که زمینه‌ساز صدمات روانی، عاطفی و اخلاقی بسیاری است. این مقایسه‌ها باعث سرخوردگی آنان، برانگیختن خشم آنان و در نتیجه زمینه‌سازی حسادت می‌خواهد شد.

۲- پرهیز از بخل‌ورزی

از دیگر زمینه‌های تربیتی سلبی در مواجهه با حسادت، پرهیز از بخل‌ورزی است. بخیل کسی است که از بخشیدن امکانات خود، خودداری می‌کند. شایع‌ترین و بدترین شکل بخل آن است که بخیل با کینه و خشم درونی پنهان و گاه آشکار، آرزوی نابودی نعمت‌هایی را دارد که خداوند باتوجه به حکمت و مصلحت خود به بندگانش عطا فرموده است. به این بدترین حالت بخل، حسادت گفته می‌شود. بنابراین حسد ریشه در بخل، ضعف ایمان و تسلیم نشدن و رضایت ندادن به اراده خداوند دارد (جمشیدیان، ۱۳۸۸، ص ۹۰). ریشه اصلی بخل، کفر و بی‌ایمانی به خداست. راهکار تربیتی درمان بخل نیز آگاهی یافتن نسبت به آفت بخل و اثرات منفی آن در زندگی فردی و اجتماعی و شناخت فایده جود و سخاوت است (علی‌محمدی و جلیلی‌راد، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

بخل‌ورزی از صفات مذمومی است که در قرآن کریم نیز مورد مذمت قرار گرفته است. خداوند سبحان می‌فرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُمْ شَرٌّ لَّهُمْ» (آل عمران، ۱۸۰). خداوند در این آیه به صراحت به کسانی که به آنچه از فضلش به آنان داد بخل می‌ورزند، اعلام می‌کند که گمان نکنند که بخل آنان به سودشان است؛ بلکه بخل آنان به زیان‌شان خواهد بود.

۳- پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی

پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی در مواجهه با حسادت است. یکی از پیامدهای ناپسند خصومت، پیدایش کینه است؛ زیرا نزاع با دیگران باعث پیدایش کینه و دشمنی در آنها می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «از خصومت بپرهیزید؛ چرا که دل را مشغول می‌کند و موجب نفاق و زنده شدن کینه می‌شود» (تهرانی، ۱۳۸۷، جلد چهارم، ص ۲۲۰).

بنابراین هرگاه انسانی کسی را دشمن بدارد، نه‌تنها خیرخواه او نیست، بلکه طاقت دیدن موفقیت و پیشرفت وی را هم ندارد. حسادت یهود به رسول اسلام به‌دلیل دشمنی با ایشان بود (بقره، ۱۰۹). در تورات نیز دشمنی و جنگ یکی از عوامل حسادت به‌شمار می‌رود (شعیا، ۱۱: ۱۳).

کینه نوعی بدخواهی پنهانی و خیر نخواستن برای دشمن است. ضد آن «نصیحت» به‌معنای خیرخواهی است (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۴۲۴).

اگرچه به باور برخی از علمای اخلاق مهم‌ترین عامل تولید کینه در نفس آدمی، بیماری حسد است، اما خود کینه نیز باعث تشدید حسادت در انسان می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: *شَدَّةُ الْحَقْدِ مِنْ شَدَّةِ الْحَسَدِ*؛ «شدت کینه ناشی از شدت حسد است» و *وَالْحَقْدُ شِيْمَةُ الْحَسَدِ*؛ «کینه سنجیه حسودان است»

(تهرانی، ۱۳۹۵، جلد هفتم، ص ۱۰۸).

این دو ویژگی نکوهیده نیز زمینه‌ساز ردیلت حسد در انسان هستند که در فرایند تعلیم و تربیت باید مراقب آن بود و از بروز و ظهور آن در خلق و خوی مترببان جلوگیری کرد.

۴- نداشتن تفاخر و ابراز نکردن توانمندی‌ها

از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی در مواجهه با حسادت که بر تعاملات اجتماعی اثر مخرب دارد، تفاخر و ابراز توانمندی در جمع است. در تربیت باید مراقب تفاخر و ابراز توانمندی بود. اگرچه گاه ابراز توانمندی موجب ترغیب و تحریک افراد تحت تربیت می‌شود، اما در کل در تعاملات و روابط اجتماعی، تأثیر منفی خواهد داشت. بنابراین باید از تفاخر و ابراز توانمندی‌ها در جمع افراد پرهیز کرد. گاه انسان خواسته یا ناخواسته به دلیل برخورداری از شایستگی‌ها و قابلیت‌ها یا موقعیت خاص، ممکن است دچار تفاخر شود. این تفاخر ممکن است زمینه حسادت را در دیگران برانگیزد. خداوند در قرآن بارها به مسئله فخرپروشی توجه داشته و آن را مذموم دانسته است؛ از جمله به رسم ناپسند اعراب جاهلی که بر سر قبور درگذشتگان خود حاضر می‌شدند و با شمارش قبرها و کثرت آن‌ها بر دیگران فخر می‌فروختند (تکواتر، ۲-۱) یا در سوره حدید که مقطعی از زندگی را دوران ابراز فخر بر دیگران معرفی کرده است (حدید، ۲۰). نهی از تفاخر و همنشینی با اهل فخر در روایات نیز آمده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۴۰۴). بنابراین در برنامه‌های تربیتی باید مترببان را نسبت به آفت‌ها و پیامدهای این خصلت ردیله آگاه و هوشیار کرد.

۵- کنترل حب دنیا

به نظر می‌رسد مهم‌ترین زمینه تربیتی سلبی در مواجهه با حسادت، کنترل حب دنیا باشد. حب دنیا منشأ بیشتر ردایلت اخلاقی و خطاهایی است که از انسان سر می‌زند. در روایتی آمده است که علاقه به شش چیز باعث نافرمانی خداوند می‌شود که نخستین آن‌ها حب دنیا است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۹). پیامبر نیز در روایتی فرموده است: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ «محبت دنیا منشأ همه اسباب حسد است؛ زیرا تنگی دنیا و محصور بودن منابع آن محل نزاع و دشمنی است» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸) (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶). بنابراین حب دنیا انسان را از اینکه خیرخواه دیگری باشد، باز می‌دارد. به همین دلیل زمینه‌ساز حسد است.

زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی

اگر در تربیت سلبی زمینه‌ها و عواملی که مانع پرورش فضایل اخلاقی هستند، اجازه مداخله ندارند، در تربیت ایجابی آنچه موجب و زمینه‌ساز فضیلت و ویژگی خاصی هستند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع تربیت ایجابی به زمینه‌ها و الگوهایی اشاره دارد که باعث شکل‌گیری اندیشه و نگرش شایستگی و مهارتی خاص در مترببان می‌شود. باتوجه به اینکه از نظر معناشناسی و اصطلاح اخلاقی، فضیلت خیرخواهی ضد ردیلت حسد است (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۲)، در بعد تربیت ایجابی، زمینه‌ها، روش‌ها و راهکارهایی را که موجب فضیلت خیرخواهی هستند، ارائه می‌دهیم که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- توجه به استعدادها و علایق خاص افراد

یکی از زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، توجه مربیان به توانمندی‌ها، استعدادها و علایق خاص متربیان است که به آنان احساس توانمندی، برتری و سرآمد بودن می‌دهد. نتیجه این اتفاق شکل‌گیری احساس کرامت و عزت‌مندی و تقویت اعتماد به نفس در آنان خواهد بود و بدیهی است انسانی که احساس کرامت و عزت‌مندی داشته باشد، در دام بیماری حسادت نخواهد افتاد.

در صورتی که در فرایند تربیت نیازی به مقایسه متربیان با دیگری باشد، باید هدف برانگیختن نگرش خیرخواهی متربیان نسبت به دیگران باشد؛ زیرا که «هر که طالب خیر و خوبی از برای مسلمانان بوده باشد، در هر خیری که به ایشان برسد شریک است» (نراقی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۲).

۲- زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت

از جمله زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت در افراد است. در اهمیت حرمت و کرامت انسان همین بس که اولویت نخستین آیات «قِرْأَ وَرَبِّكَ الْأَكْرَمِ» (علق، ۳۰) و آخرین آیاتی که بر پیامبر نازل شد (بقره، ۲۸۱)، بر محور کرامت انسانی بود. در امر تربیت، مربی باید به حرمت و کرامت ذاتی و اکتسابی متربیان احترام بگذارد؛ زیرا که محور اصلی تربیت در اسلام کرامت و حرمت انسان است. در واقع هریک از عناصر نظام تربیتی مانند اهداف، روش‌ها، اصول و... به‌نحوی باید متأثر از اصل حرمت و کرامت انسان باشند.

زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت در متربیان به دو شیوه کلی انجام می‌گیرد:

الف - تکریم و احترام به خود یا کسب کرامت. در این شیوه، راه اصلی کسب حرمت و کرامت اکتسابی برای انسان از دیدگاه قرآن، تقواست که به روش‌های تربیتی چون دعا و درخواست از خدا، اکرام یتیم و اطعام مسکین، عبادت خدا و نمازگزاردن (أَنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (عنکبوت، ۴۵)، انجام می‌گیرد.

ب - تکریم و احترام دیگران. در این شیوه کلی نیز با بررسی آیات قرآن می‌توان به روش‌هایی از جمله ۱- تصریح مستقیم به حرمت و کرامت انسانی، ۲- تحسین خود در آفرینش انسان، ۳- توصیف برخی ویژگی‌های مثبت انسان، ۴- نسبت دادن خلقت انسان به خود، ۵- بیان احترام دیگر موجودات به انسان، ۵- معرفی انسان به‌عنوان غایت خلقت و ۷- بیان اهداف والای خلقت انسان اشاره کرد (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، صص ۱۱۹-۱۳۵).

به هر میزان که انسان به کرامت ذاتی و موهبتی خود از سوی خداوند حکیم آگاه باشد، احساس عزت‌نفس بالاتری دارد. چنین انسانی برتری خود یا دیگران را در یک یا چند ویژگی، معلول کرم، حکمت الهی و فرصت و امکانی که خداوند به آن‌ها داده، تلقی می‌کند. در نتیجه از داشته‌های خود دچار عجب نمی‌شود و به داشته‌ها و برتری‌های دیگران حسرت و غبطه نمی‌خورد و حسادت نمی‌ورزد؛ بلکه خیرخواه دیگران نیز خواهد بود.

۳- توزیع متناسب مهر و محبت

از دیگر روش‌ها و زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی در مواجهه با حسادت - که بعد رفتار عملی حائز اهمیت

بسیار است - توجه بزرگسالان و مربیان در توزیع متناسب مهر و محبت است. در جمع متربیبان یا فرزندان، ممکن است فردی ویژگی‌های خاص و جذابیت‌های بیشتری از جمله جذابیت‌های بصری و ظاهری یا شخصیتی و خلقی، یا توانمندی‌ها و استعداد‌های برتری نسبت به دیگران داشته باشد. در چنین شرایطی مربیان یا والدین باید بسیار هوشمندانه، با رعایت اصل عدالت و انصاف، مراقب رفتارهای خویش در ارتباط با فرزندان و متربیبان باشند. ابراز مهر و محبت بیشتر به یکی از متربیبان یا فرزندان بنا به دلایل ذکر شده، ممکن است باعث دلرنجی و در نهایت زمینه‌سازی حسادت در سایرین شود. در صورتی که توزیع متناسب و معقول مهر و محبت مربیان یا والدین به متربیبان و فرزندان، زمینه ایجاد همبستگی و دل‌بستگی میان آنان را فراهم کرده و حتی باعث برانگیختن احساس خیرخواهی آنان نسبت به یکدیگر خواهد شد.

در داستان یوسف پیامبر (ع) در قرآن کریم، سبب حسادت به یوسف و برادرش از قول فرزندان یعقوب، حب پدر به آن دو بود که آرزوی نابودی این احساس را داشتند و برای از بین بردن آن دست به اقدامات بعدی زدند. «إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَ...» (یوسف، ۹-۸).

۴- زمینه‌سازی روحیه قدردانی و شکرگزاری

از دیگر زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، زمینه‌سازی روحیه قدردانی و شکرگزاری در افراد است. روحیه قدردانی و شکرگزاری، انسان را از گله‌مندی و یادآوری نداشته‌ها و ناکامی‌ها باز می‌دارد و او را متوجه داشته‌ها و نعمت‌هایش می‌کند؛ در نتیجه فرد در زندگی احساس رضایتمندی، قناعت و لذت دارد. «آنچه باعث شکرگزاری از منعم می‌شود، حکمت است و کسی که دارای حکمت است، شکرگزار نیز خواهد بود» (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). قدردانی و شکرگزاری در دو سطح قابل زمینه‌سازی است: یکی در ارتباط اجتماعی افراد با یکدیگر که افراد جامعه باید بیاموزند در مقابل لطف، مساعدت و همکاری دیگران شکرگزار و قدردان باشند. دیگری در بالاترین سطح شکرگزاری که قدردانی از خالق یکتا و دهنده بی‌همتا صورت می‌گیرد.

تخلق به رضایتمندی، قناعت و شکرگزاری از ویژگی‌هایی است که مانع ایجاد و بروز و ظهور غبطه، نگرانی و حسادت در انسان می‌شود.

در تعلیم و تربیت می‌توان با تدوین محتوای مناسب و هدفمند در قالب داستان، رمان، شعر کودک و نوجوان و در تربیت رسمی و عمومی به‌طور خاص در دروسی چون هدیه‌های آسمانی، تعلیمات دینی، ادبیات فارسی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی به تهیه و تدوین محتوای کتب درسی مناسب پرداخت. همچنین در زمینه عملی می‌توان با الگوسازی رفتارهای مطلوب در مربیان و والدین، زمینه ایجاد، پرورش و تقویت روحیه شکرگزاری و رضایتمندی و قناعت را در متربیبان فراهم کرد که این روحیه در حقیقت مانع بروز حسد می‌شود. نمونه بسیار ارزشمند چنین زمینه‌سازی تربیتی را می‌توان در گلستان سعدی مشاهده کرد. آنجا که می‌فرماید: «منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون بر می‌آید مُفرح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی، شکر واجب...» (سعدی، ۱۳۸۶، دیباچه گلستان).

۵- آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی در متریبان

از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی در مواجهه با حسادت - که به بعد شناختی و بینشی افراد مربوط است - آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی در متریبان است. چنانچه در افراد تحت تربیت، شناخت، آگاهی و بینشی ایجاد شود که عالم هستی، مخلوق خداوند است و «آفریننده همه چیز فقط خداست»^۱ (رعد، ۱۶)، هدف نهایی از خلقت، افاضه رحمت به اوست «مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده و به همین سبب آنان را آفریده است...»^۲ (هود، ۱۱۹)، از طرفی این دنیا زودگذر بوده و دنیای دیگری در انتظار انسان است «ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی‌ارزش و زودگذر است و بی‌تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است»^۳ (غافر، ۳۹) و همچنین آنچه به انسان عطا شده، زمینه آزمایش اوست «...أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...» (انفال، ۲۸)، دیگر دلیلی برای حسادت به دیگران و موقعیت آنان باقی نمی‌ماند و چشم به داشته‌های دیگران نمی‌اندوزد.

بنابراین در صورتی که انسان به این آگاهی و بینش دست یابد که توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل (بقره، ۹۰)، نعمت (یوسف، ۹-۸) و حکمت الهی (نساء، ۵۴) بداند، نسبت به آن حسادت نمی‌ورزد و در نتیجه این آگاهی مایه آرامش روح و جان وی خواهد بود.

همچنین چنانچه این بینش و آگاهی در متریبان ایجاد شود که از حسادت‌ورزی سودی عاید انسان نمی‌شود و به‌جز زیان و کم‌ارزش شدن، فایده‌ای نمی‌برد، سعی می‌کند که قلب و جان خویش را از حسادت نسبت به دیگران پاک نگه دارد؛ چرا که به گفته مولانا:

از حسد، کاهد حسودان را وجود چشم نابینا به از چشم حسود
چون ببینی دیگری را بر مُراد کُن دعا تا نعمتش گردد زیاد
خاطر خود را مرنجان بی‌سبب آنچه او دارد تو هم از حق طلب (مولوی، ۱۳۸۹، دفتر اول مثنوی معنوی).

۶- الگوپردازی

الگوپردازی از دیگر زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت است. انسان طبعاً از سویی الگوپرداز و از دیگر سو الگوخواه است. الگوخواهی ریشه در ارزش‌پرستی آدمی دارد. خداوند در قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم (ع)، موسی (ع)، مریم (س)، یحیی (ع)، یوسف (ع) و به‌خصوص پیامبر اسلام (ص) اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. با درنگ در آیات قرآن، می‌توان اذعان کرد که این کتاب الهی به الگوخواهی مؤمنان به‌خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند (پورامینی، ۱۳۹۱، ص ۲۳).

معرفی الگوهای عملی اخلاقی را از این جهت که روشی عملی و عینی است، می‌توان در تعلیم و تربیت

۱- «...اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» (رعد، ۱۶)

۲- «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...» (هود، ۱۱۹)

۳- «أَنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر، ۳۹)

و به‌ویژه در تربیت اخلاق عملی بسیار مؤثر دانست. البته باید توجه داشت که تربیت اخلاقی منحصر به معرفی الگوهای عملی اخلاقی نیست؛ بلکه اصالت و برتری در تربیت اخلاقی مربوط به عرضه معیارهای اخلاقی است و همچنین باید این معیارها در مریبان نمود عینی یابد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲).

بنابراین عمل صالحی که در قالب رفتار و کردار خالصانه و صادقانه^۱ مبتنی بر ایمان عمیق از مربی و اولیاء سر می‌زند، الگوی تربیتی مناسبی برای متربیان است. افزون بر این، مربی می‌تواند معیارهایی را براساس سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، تبیین و در دسترس متربیان قرار دهد.

۷- تقویت ایمان

اما مهم‌ترین زمینه‌ساز برای تربیت، دستیابی به حکمت یا دانایی است که این مهم از طریق تقویت ایمان حاصل می‌شود. حکمت، ویژه مؤمن است و به غیرمؤمن داده نمی‌شود؛ زیرا از سوی حکمت از فضل خدا یا همان رحمت خاصه الهی است که تنها به مؤمن داده می‌شود: «خدا بر مؤمنان دارای فضل است» (آل عمران، ۱۵۲). از سوی دیگر خداوند در قرآن می‌فرماید: «و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را آیه حقایق [راهنمایی می‌کند؛ و خدا به همه چیز داناست»^۲ (تغابن، ۱۱) (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص ۳۳). تقویت ایمان متربیان با رذایل اخلاقی و از جمله آن حسد، رابطه عکس دارد؛ به طوری که هر چه میزان ایمان در افراد عمیق‌تر باشد، ایجاد ذهنیت یا ارتکاب چنین رذایلی کم‌تر خواهد بود.

رویکردهای تربیتی در فرایند تربیت اخلاقی

رویکرد تربیتی در واقع همین است: «جهت‌گیری کلی، مشخص و منسجمی درباره ماهیت و چگونگی مواجهه با موضوع مورد نظر، که با توجه به مجموعه‌ای از مفروضات نظری سازوار، تعیین می‌شود و التزام به آن موجب ایجاد همگرایی و هماهنگی در انتخاب اصول، معیارها و روش‌های خاص در عرصه عمل خواهد شد» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۹۰). رویکرد تربیتی متناسب بحث پژوهش حاضر براساس اهداف و زمینه‌های تربیتی که در بخش‌های پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت، رویکرد عقلانیت‌محوری، مشارکت‌محوری و تعالی تدریجی است.

به‌طور کلی در تربیت اخلاقی ضمن توجه به ابعاد عاطفی و عملی، باید از مواجهه احساسی و تکانشی پرهیز کرد و ساز و کار تربیت را با موازین تعقل و عقلانیت پیش برد. آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی در متربیان که در بخش‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت، از جمله زمینه‌های ایجابی این نوع تربیت مبتنی بر عقلانیت است. یعنی بر فهم افراد و کسب آگاهی عمیق از مبانی و معارف دینی و دستیابی به بصیرت دینی و اخلاقی تأکید دارد.

به دلیل آنکه حسادت دارای آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی مخرب بسیاری است و حتی ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر را در وجود انسان باعث شود، علاج آن با

۱- «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۵۲)

۲- «وَمَنْ يُؤْمِنْ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن، ۱۱)

همراهی و مشارکت همه عوامل سهیم در تربیت امکان‌پذیر است. بنابراین چنانچه بخواهیم در تربیت اخلاقی افراد جامعه به توفیق دست یابیم، مشارکت و همراهی همه عوامل و از آن جمله خانواده، مدرسه، دانشگاه، مسجد و رسانه ضروری است.

تعالی تدریجی به معنای رعایت مراتب تخلق به صفت اخلاقی یا فضیلت یا سلب خصلت نکوهیده و ردیلت است. از آنجایی که ردیلتی چون حسد، به دلیل تأثیر و تأثر و ارتباط متقابل با خصلت‌هایی چون خشم، غضب، کینه‌توزی و... خصلتی پیچیده است، شناسایی و علاج آن عملاً به یکباره و آنی امکان نمی‌پذیرد؛ بلکه رهایی از آن به صورت فرایندی و به تدریج خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت که حسد که به معنی آرزوی زوال نعمت دیگری است، از نظر کتب آسمانی و به خصوص قرآن کریم همواره مذموم بوده و انسان‌ها از آن برحذر داشته شده‌اند تا از آثار شوم آن جلوگیری شود. براساس تحلیلی که از آیات قرآن به عمل آمد، می‌توان گفت حسد از ضعف ایمان و سستی در اعتقادات نتیجه می‌شود و اصلی‌ترین راه جلوگیری از آن، تقویت نیروی ایمان و اصلاح بینش توحیدی است که در کتاب‌های وحیانی به آن پرداخته شده است. از نظر علمای اخلاق، راه خلاصی از حسد، اعتقاد به توحید است که در نتیجه آن انسان همه را بنده خداوند متعال ببیند.

گاه کمال‌طلبی انسان در محدوده کمالات طبیعی باقی می‌ماند و حب نفس و حب دنیا نیز در وی به سمت بعد مادی و طبیعی متمایل شده و او را به ورطه خویش‌دوستی افراطی، خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که در این حالت ممکن است در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخوردارهای دیگران حسادت بورزد. البته حسادت از جمله خصلت‌هایی است که ذاتی انسان نبوده و انسان می‌تواند آن را با اختیار و انتخاب خود کسب کند. در حقیقت انسان با کسب این خصلت، علاوه بر رعایت نکردن معیار تقوای الهی، به کرامت ذاتی و خدادادی خود نیز اهانت کرده است. در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی زمینه حسادت برخی افراد می‌شود که در این وضعیت باید متوجه بود که تنوع و تمایز در استعدادها، توانمندی‌ها و برخوردارهای افراد جامعه، دلیل بر حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر سطح از استعداد، توانمندی، امکانات، برخورداری از فرصت‌ها و شرایط و موقعیت‌ها، حقوق و تکالیف متناسب با آن را داشته باشد. حسادت همچون سایر ردایل اخلاقی، امکان تحقق حیات طیبه - که وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی است - را از انسان سلب می‌کند. همچنین حسادت که یک تمنا و آرزوی قلبی منفی است، همچون یک مانع درونی نشان از اسارت و وابستگی انسان به تمایلات نفسانی دارد. بنابراین منشأ حسادت را می‌توان گاه در اندیشه نکردن در حکمت الهی، در بیمار دلی و لجاجت با حق و حقیقت، فساد اخلاق، محبت به دنیا و محصور بودن در منابع آن و گاه در روابط اجتماعی، تبعیض نابه‌جا میان افراد و در کل نداشتن بینش صحیح نسبت به خود، عالم هستی و دنیا و عقبی دانست.

حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد. از جمله آثار و پیامدهای فردی

حسد بر بعد فردی، سلب آرامش روحی و روانی و تضعیف ایمان و اعتقادات توحیدی انسان است. در تعاملات اجتماعی، گاه رفتارهای نسنجیده انسان در ارتباط با دیگری، ممکن است زمینه‌ساز فهم و تصور متفاوتی از نیت انسان در دیگران شود. به‌عنوان مثال توزیع نابرابر مهر و محبت والدین یا بزرگسالان به کودکان ممکن است زمینه‌ساز بروز حسادت در آنان شود. در تعاملات اجتماعی، پیدایش رذایلی چون خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی ممکن است از پیامدهای حسد به حساب بیاید. حسادت حتی ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر را در وجود انسان باعث شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خشم و غضب، کینه و دشمنی، تفاخر، بخل و حب دنیا از جمله عواملی هستند که حسادت را در انسان برمی‌انگیزند که در تربیت باید مانع بروز و ظهور چنین صفات زمینه‌ساز حسد بود. همچنین توجه به استعدادها و علایق خاص متریبان، زمینه‌سازی احساس کرامت و عزت‌نفس در متریبان، توزیع مناسب توجه، مهر و محبت به فرزندان و متریبان، زمینه‌سازی و پرورش روحیه قدردانی و شکرگزاری در متریبان، آگاهی‌بخشی و ایجاد بینشی که در اثر آن متریبان داشته‌ها و توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل، نعمت و حکمت الهی بدانند، الگوپردازی و مهم‌تر از همه تقویت ایمان، مهم‌ترین زمینه‌های ایجابی برای تربیت به حساب می‌آیند. با اتخاذ رویکردهای تربیتی همچون عقلانیت‌محوری، مشارکت‌محوری و تعالی‌تدریجی می‌توان زمینه تربیت اخلاقی مطلوب در متریبان را فراهم کرد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش بیرجندی و همکاران (۱۳۹۷)، بهپور و ساجدی (۱۳۹۶) و به‌ویژه ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۳)، از این منظر که براساس آموزه‌های غنی قرآنی و فرهنگی، می‌توان راهکارهایی یافت که مانع بروز و ظهور حسد و سایر صفات زمینه‌ساز آن شود، همسو است. در پژوهش بیرجندی و همکاران (۱۳۹۷) از پناه بردن به خداوند به‌عنوان محوری‌ترین راه مقابله با حسادت یاد شده است. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۳) نیز تقویت ایمان، شناخت صحیح و اصلاح نگرش‌ها را از راه‌های درمان حسادت معرفی کرده‌اند. بهپور و ساجدی (۱۳۹۶) نیز همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، اساسی‌ترین راهکار خلاصی از حسادت را اصلاح نگاه توحیدی دانسته‌اند.

در تعلیم و تربیت به‌طور عام و در تربیت دینی و اخلاقی به‌طور خاص، در طراحی و تدوین محتوای آموزشی، می‌توان و البته ضروری است که بخشی از محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی را افزون بر پرداختن به معرفت‌بخشی و آگاهی‌بخشی نسبت به آثار و پیامدهای رذایل اخلاقی چون حسد، کینه‌ورزی، خشم و دشمنی و... به ارزش‌های اخلاقی مهمی چون محبت و مهرورزی، نوع‌دوستی، صبر و شکیبایی، شکرگزاری و قناعت، رضایتمندی، صداقت، وفای به عهد، حق‌گروی و حقیقت‌جویی، خیرخواهی و نظایر آن اختصاص داد. البته هنگام صحبت از برنامه درسی، به‌جز محتوای درسی که معمولاً همان متون و کتب درسی را شامل می‌شود، اجزاء و مؤلفه‌های دیگری چون روش تدریس، ارزشیابی و نقش معلم نیز زیرمجموعه این مفهوم تلقی می‌شوند (آیزنر، ۱۹۹۴، ص ۳۱). نقش الگویی معلم نیز به‌عنوان یکی از عناصر مهم برنامه درسی در جلوگیری از ایجاد و تقویت رذایل اخلاقی در متریبان و ایجاد و تعمیق فضایل اخلاقی بسیار اثرگذار است. رویکرد معلم به مقوله ارزشیابی و چگونگی مواجهه مربی، مربی و والدین با نتایج آن نیز می‌تواند در زمینه‌سازی و

شکل‌گیری فضایل و رذایل اخلاقی تأثیرگذار باشد. در مراکز تربیت معلم که اخلاق حرفه‌ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان مهارت‌ها و نگرش‌های ویژه ارزش‌های اخلاقی را که مانع ظهور و بروز حسد در متریبان می‌شود، به‌طور مشخص در رابطه معلم و شاگرد و در فعالیت‌های متنوع آموزشی و تربیتی و در سطوح مختلف تبیین کرد.

منابع

- قرآن مجید. ترجمه حسین انصاریان. (۱۳۹۷). چاپ اول. قم: انتشارات هادی مجد.
- نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی. (۱۳۹۲). چاپ دهم. قم: موعود اسلام.
- عهد عتیق. (۱۳۹۳). جلد اول. کتاب‌های شریعت، یا تورات براساس کتاب مقدس اورشلیم (پیروز سیار)، تهران: هرمس.
- عهد عتیق. (۱۳۹۷). جلد دوم. کتاب‌های تاریخ براساس کتاب مقدس اورشلیم (پیروز سیار). تهران: نشر نی.
- ابن‌عاشور، م. (۱۹۹۷ م). *التحریر والتنویر*. تونس: دارسحنون.
- ابن‌منظور، م. (۱۴۱۴ ق). *لسان‌العرب*. ط. الثالثه. بیروت: دارصادر.
- ابوحیان م. (۱۴۲۰ ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
- باقری، خ. (۱۳۹۵). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران؛ اهداف، مبانی و اصول*. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خ؛ توسلی، ط؛ و سجادیه، ن. (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بحرانی، س. ه. (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه. چاپ اول. تهران: بنیاد بعثت.
- بیرجندی، ز؛ قطبی، ث؛ و شعیری، م. (۱۳۹۷). *شناسایی مفهوم و ابعاد حسادت در قرآن و حدیث و مقایسه آن با روان‌شناسی حسادت*. *دوفصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت*. دوره ۱۶، ۲ (۳۲)، ۲۶۶-۲۴۹.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی. چاپ اول. بیروت: داراحیاء.
- بهپور، ا؛ و ساجدی، م (۱۳۹۶). *بررسی حسد و پیامدهای آن از منظر مدیریت اسلامی و مطالعات نوین مدیریتی*. *دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی*. تهران، دی ماه ۱۳۹۶.
- پورامینی، م. (۱۳۹۱). *سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (ع)*. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- تهرانی، م. (۱۳۸۷). *اخلاق‌اللهی، آفات زبان*. جلد چهارم. چاپ نهم. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- تهرانی، م. (۱۳۹۵). *اخلاق الهی، مباحث قوه غضبیه*. جلد هفتم. چاپ اول. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰ ق). *مصباح الشریعه*. چاپ اول. بیروت: اعلمی.
- جمشیدیان، ا. (۱۳۸۸). جلوه‌هایی از اخلاق در قرآن. *ماهنامه پیام زن*. (۲۰۹)، ۹۱-۹۰.
- جوهری، ا. (۱۴۰۴ ق). *الصباح: تاج اللغة و صحاح العربیه*. بیروت: دار العلم.
- حسینی زاده، ع.؛ و مشایخی، ش (۱۳۹۳). *روش‌های تربیتی در قرآن*. جلد دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- داودی، م.؛ و حسینی زاده، س. ع. (۱۳۹۸). *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*. چاپ دوازدهم. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، ش.؛ نجاریان، ب.؛ و نجاریان، ز. (۱۳۹۳). راهکارهای درمان حسادت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی. *معرفت*. ۲۳ (۲۰۵). ۹۹-۱۱۴.
- راغب، ح. (۱۴۱۲ ق). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. چاپ چهارم. ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی. ۱۳۸۳. تهران: مرتضوی.
- زمخشری، م. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- زیبایی‌نژاد، م. (۱۳۹۱). بیماری‌های دل و روش بهبود آن از منظر قرآن و ادبیات عرفانی. *نشریه عرفان اسلامی*. ۳۲، ۸۳.
- سعدی، م. (۱۳۸۶). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ اول. مشهد: به‌نشر.
- طباطبایی، م. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، ف. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. تهران: فراهانی.
- طبری، م. (۱۴۲۰ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، ن. (۱۳۵۶). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- فخرالدین رازی، م. (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: داراحیاء.
- فراء، ی. (بی‌تا). *معانی القرآن*. تحقیق: احمد یوسف نجاتی، محمدعلی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شلبی. چاپ اول. مصر: دارالمصریه.
- فلسفی، م. ت. (۱۳۵۴). *گفتار اخلاقی؛ اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی*. جلد اول. تهران: معارف اسلامی.
- فیومی، ا. (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. چاپ دوم. قم: دارالهجره.
- قزائتی، م. (۱۳۸۷). *تفسیر نور*. جلد ۱۰. ویراست دوم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، م. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. چاپ اول. تهران: ناصر خسرو.

- عروسی حویزی، ع. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نور الثقلین*. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- علی محمدی، م؛ و جلیلی‌راد، ا. (۱۳۹۲). تأثیر بخل بر سبک زندگی فردی - اجتماعی و شیوه‌های درمان آن. *پیوند*. (۴۱۱)، ۴۴-۴۶.
- غزالی، م. (۱۳۸۴). *کیمیای سعادت*. چاپ دوم. به اهتمام پروین قاسمی. تهران: پیمان.
- کامرانیان، ع. (۱۳۹۵). *نکته‌های قرآنی درباره حسود و حسادت*. چاپ اول. تهران: نور قرآن و اهل بیت (ع).
- کریمی، ع. (۱۳۹۴). تزکیه به‌مثابه تربیت سلبی در برابر تدسیه به‌مثابه تربیت ایجابی. *دوفصل‌نامه تربیت اسلامی*. ۱۰ (۲۱)، ۱۰۱-۱۲۱.
- کلینی، م. (۱۳۵۱). *خلاصه‌ای از اصول کافی*. ترجمه علی‌اصغر خسروی شبستری. تهران: خرمی.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ ق). *کافی*. محقق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کومبز، ج. آر؛ و دنیلز، لو روی بی. (۱۳۹۴). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی*. ترجمه خسرو باقری. درآمد موند سی. شورت: روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران: سمت.
- کیمیایی، م. (۱۳۹۳). *حسد بر زندگی عین‌القضاء*. چاپ سوم. تهران: ثالث.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). آذر ماه. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دارالاحیاء.
- مقدسی، م. (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول. تهران: آگه.
- مطهری، م. (۱۳۸۵). *حکمت‌ها و اندرزها*. جلد اول. چاپ بیستم. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولوی، ج. (۱۳۸۹). *مثنوی معنوی*. مطابق نسخه رینولد الین نیکلسون و با مقدمه استاد فروزانفر. چاپ اول. تهران: سلسله مهر.
- نراقی، ا. (۱۳۹۱). *معراج السعاده*. قم: آیین دانش.

- Eisner, W. E. (1994). *The Educational Imagination*. New York: McMillan, College PUBLISHING Company.
- Smith, R.H. & Kim, S.H. (2007) Comprehending Envy. *Psychological Bulletin*. 133, 46-64.
- Shamionov, R. (2014) Envy, Personality's Riskiness and Methods for Achieving of High Economic Status. *Open Journal of Social Sciences*. 2, 110-113.